دستگیری ۱۸۷ مجرم در طرح پلیس آگاهی پایتخت

رئیس پلیس پایتخت از دستگیری ۱۸۷ سارق، زورگیر و محکوم فراری در پایتخت خبر داد.

به گزارش ایسنا، سردار حسین رحیمی در اجرای چهارمین مرحله از طرح کاشف که در پلیس آگاهی پایتخت برگزار شد با اشاره به اجرای این طرح گفت: همکاران من پس از حدود یك ماه انجام کار اطلاعاتی و پلیسی و جمع‌آوری ادله و شواهد، چهارمین مرحله از طرح کاشف را طی ۴۸ ساعت گذشته به مرحله اجرا درآوردند که در جریان آن ۱۸۷ سارق، زورگیر و مجرم فراری دستگیر شدند.

وی با بیان این‌که در اجرای این طرح ۴۷ باند متلاشی شد، گفت: ۱۱ باند مربوط به سرقت به عنف نظیر زورگیری و کیف قاپی، ۱۵ باند مربوط به سرقت از منازل، ده باند مربوط به سرقت خودرو و لوازم خودرو و دو باند نیز مربوط به جعل و کلاهبرداری بودند. همچنین یك باند سه نفره که تهدید به اسیدپاشی کرده بودند از سوی ماموران دستگیر شدند.

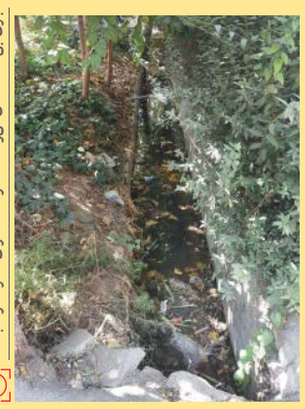

جوی آبی که احتمال می‌رفت دختر ۲ ساله در آن سقوط کرده باشد

پدر زهرا در حال نشان دادن محل ناپدید شدن دخترش

گزارش اختصاصی جام جم از آخرین وضعیت پرونده مفقود شدن دختر ۲ ساله در قلعه‌نو

معمای یك دست

گروه حوادث

نزدیك به یك ماه از گم شدن دختر بچه دو ساله در قلعه‌نوی شهرری می‌گذرد و هنوز هیچ ردی از او پیدا نشده است. کودك خردسال جلوی در خانه شان در حال بازی بود که ناگهان ناپدید شد. سراغ پدر زهرا که این روزها بیماری‌اش تشدید شده رفتیم و او از ادعای زنی می‌گوید که توانسته در فیلم ناپدید شدن زهرا، دستی را ببیند که دخترك را با خود می‌برد. این در حالی است که رئیس پلیس تهران دیروز ربایش زهرا را رد کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، خانه‌شان در بخش قلعه‌نوی شهرری قرار دارد، درست کنار جاده ورامین. جلوی در خانه‌شان محوطه‌ای سرسبز و جوی آبی است؛ همان جوی آبی که در اولین اخبار منتشر شده، از آن به عنوان کانال آب یاد کرده بودند و لابد واژه کانال آب در ذهن خواننده یك مسیل عمیق و عریض را تداعی می‌کرد. اما حالا که آن را از نزدیك می‌بینیم، واژه کانال برای قد و قواره‌اش گشاد است.

پدر زهرا مبتلا به بیماری ام اس است و این روزها به‌دلیل فشار عصبی ناشی از گم شدن زهرا، حال وخیمی پیدا کرده و هفته قبل چند روزی در بیمارستان بستری شد. حسینی شیرازی با واکر به آهستگی قدم برداشت، جلوی در خانه‌شان، یعنی همان جایی که دخترش ناپدید شد، نشست و گفت: مغازه‌ای که در کنار خانه ما قرار دارد، آژانس محل کار من و پدرم است که مجهز به دوربین مدار بسته است. شب حادثه در آژانس نشسته بودم و زهرا و خواهرش در حال بازی جلوی در خانه بودند. قرار بود به توصیه پزشك، به پیاده‌روی بروم و بچه‌ها می‌خواستند همراه من بیایند. برای همین اجازه گرفته بودند تا زمان پیاده‌روی من در کوچه بمانند و بازی کنند.

دختر شش ساله‌ام در یك لحظه برای این‌که با مادرش کاری داشت به داخل خانه رفته بود و وقتی برگشت، دید زهرا دیگر جلوی در خانه نیست. دوربین مداربسته آژانس تصویر ضبط شده زهرا را در حالی نشان می‌دهد که در حال بازی‌کردن جلوی در خانه‌شان است و در یك لحظه به سمت راست یعنی به انتهای کوچه حرکت می‌کند. اما گویی کسی او را به سمت دیگری صدا می‌زند و ناگهان تغییر مسیر می‌دهد. زهرای خردسال به سمت دیگر کوچه رفته و دیگر بر نمی‌گردد. این در حالی است که کل این فیلم تنها ۱۷ ثانیه است.

اولین فرضیه برای یافتن ردی از زهرا این بود که شاید او داخل جوی آب افتاده باشد؛ جوی آبی که این روزها آب راکد آن را پر کرده است. پدر زهرا در این باره گفت: یك ماه پیش زمانی که زهرا گم شد، این جوی پرآب بود و با آن زمین‌های کشاورزی اطراف آبیاری می‌شد. آن شب بعد از ناپدید شدن زهرا، اهالی کمك کردند و مسیر آب در جوی را تغییر دادند تا شدت آب کم شود. وقتی با نیروهای هلال احمر تماس گرفتیم، آنها داخل جوی را در سه‌نوبت با کمك سگ‌های زنده یاب گشتند. چند روز بعد هم چند نفر از اقوام وارد جوی آب شدند و تمام کف جوی را مورد بررسی قرار دادند اما خبری از زهرا نبود.

تصویر یك دست

تلاش برای پیدا کردن ردی از زهرا از همان روز نخست در دستور کار پلیس قرار گرفته بود. پدر زهرا گفت: حدود سه روز از گم شدن زهرا گذشته بود که پلیس آگاهی به ما گفت سرنخ‌های خوبی از بچه در دست دارند و تا سه روز دیگر زهرا را پیدا می‌کنند. اما حالا نزدیك یك ماه است زهرا گم شده و هنوز هم هیچ خبری از او در دست نیست.

به گفته حسینی‌شیرازی در این مدت افراد زیادی برای کمك به خانواده آنها تلاش کرده‌اند. یکی از این افراد یك خانم دکتر نیکوکار بوده که به گفته خودش کارش پیداکردن کودکان گمشده است. پدر زهرا درباره این دکتر که به خانواده حسینی شیرازی هم مراجعه کرده است، گفت: خانم دکتری که سراغ ما را گرفت، می گفت برای پیدا شدن بچه‌های گمشده تلاش می‌کند و حتی در چند مورد بچه‌هایی را که ربوده شده و به ترکیه فرستاده شده بودند پیدا کرده و بازگردانده است. او برای پیدا کردن زهرا هم تلاش کرده بود و می‌گفت، فیلم ضبط شده دوربین مداربسته را با نرم افزارهای کامپیوتری روشن کرده و در آن تصویر مچ دست یك نفر را دیده که دست زهرا را می‌گیرد.

پدر زهرا در ادامه افزود: من فکر می‌کنم یك رهگذر زمانی که داشته از سر کوچه رد می‌شده یك لحظه چشمش به زهرا افتاده و به بهانه دادن خوراکی یا نشان دادن تلفن همراه، او را به سمت خودش کشانده است. حالا دیگر شکی ندارم زهرا را ربوده‌اند. البته زهرا دختری بود که حتی بغل فامیل هم نمی‌رفت و نمی‌دانم چه شده با آن فرد غریبه همراه شده است.

حسینی‌شیرازی در مورد حال این روزهای مادر زهرا می‌گوید: من و همسرم دو فرزند دیگر به جز زهرا داریم. یك پسر چهار و نیم ساله و یك دختر شش ساله. همسرم باید به آنها هم رسیدگی کند و برای همین این روزها سعی می‌کند بر خودش مسلط باشد.

پدر زهرا در آخر از ماموران پلیس تقاضا کرد همچنان به تلاش خود برای یافتن خبری از زهرا ادامه دهند. همچنین او از مردم تقاضا کرد تا پیدا شدن زهرا از انتشار عکس‌های او دست برندارند.

> در حالی که پدر زهرا معتقد است دخترش ربوده شده، پلیس این ادعا را رد کرده است

خانواده زهرا همکاری کنند

رئیس پلیس پایتخت دیروز با اشاره به آخرین وضعیت این پرونده گفت: از همان ساعات اولیه اعلام خبر مفقودی این دختر بچه، تیم‌های ویژه از پلیس آگاهی رسیدگی به موضوع را در دستور کار خود قرار داده و رسیدگی به این پرونده همچنان ادامه دارد.

وی با بیان این‌که توقع داریم خانواده این دختربچه با پلیس همکاری بیشتری کنند، خاطرنشان کرد: بررسی‌ها و سرنخ‌هایی که ما از این پرونده به‌دست آوردیم حاکی از آن است که بحث ربودن این دختربچه منتفی است.

مرد آرایشگر خواستگار همسر سابقش را کشت

زمانی که جسد غرق در خون حامد در بیابان‌های اطراف روستای کوره فرنگی شهرری پیدا شد، هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد عامل این جنایت هولناك کسی نباشد جز دوست قدیمی مقتول. اما چهار روز پس از وقوع جرم بود که سینا دستگیر شد. متهم روز گذشته در دادگاه کیفری پای میز محاکمه ایستاد و بار دیگر به قتل اعتراف کرد. در حالی که متهم مدعی است دوستش را به خاطر خواستگاری از همسر سابقش کشته، تحقیقات نشان می‌دهد او دچار سوءظن شده بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۱ روز گذشته سینا همراه ماموران زندان وارد راهروی دادگاه کیفری یك استان تهران شد. خانواده حامد هم در دادگاه حاضر شده بودند. مادر حامد گفت: «کسی که روزها و شب‌های زیادی سر سفره ما نشسته بود، حالا جلوی چشمم است، آن هم به‌عنوان قاتل فرزندم. باورش برایمان سخت است.»

ماجرا از جایی آغاز شد که حامد ۳۸ ساله به مادرش گفت برای کاری بیرون از خانه می‌رود و یك ساعت بعد برمی‌گردد، اما هرگز برنگشت. آن شب زمانی که تاخیر حامد زیاد شد، خانواده‌اش به پلیس اعلام مفقودی کردند.

مادر حامد درباره شب حادثه گفت: «آن شب تا صبح خواب به چشمم نمی‌آمد. ساعت نزدیك ۸ صبح بود که ماموران پلیس با ما تماس گرفتند و گفتند جسدی در نزدیکی شهرری کشف شده و خصوصیات ظاهری او با پسرم شباهت دارد. ما هم برای شناسایی رفتیم و پسرم را در سردخانه پزشکی قانونی دیدیم که به طرز وحشتناکی با ضربات چاقو به قتل رسیده بود.»

ماموران پلیس به‌سرعت تلاش خود را برای یافتن ردی از عامل جنایت آغاز کردند و در اولین قدم، تلفن همراه مقتول را ردیابی کردند. بررسی‌ها حاکی از آن بود که آخرین تماس‌های برقرار شده با دوست صمیمی حامد یعنی سینا بوده است. برای همین سینا به عنوان اولین مظنون پرونده بازداشت شد و از همان لحظات اول، بدون انکار حقیقت لب به اعتراف گشود و گفت: «در خیابان پیروزی آرایشگاه دارم و حامد یکی از هم‌محلی‌های ما بود. هشت سالی می‌شد با حامد دوست شده بودم. برای حامد از زندگی ام درددل‌های زیادی کرده بودم. می‌دانست که همسر سابقم پیش از این ازدواج کرده و دو فرزند داشت که با من زندگی می‌کردند و به حامد گفته بودم که با فرزندان همسرم مشکل داشتم و برای همین کارمان به جدایی کشیده شد. با این‌که حامد از راز زندگی من خبر داشت، از مشکل من سوءاستفاده کرد و یکی از دوستانم به نام علی به من گفت که حامد از همسر سابق من خواستگاری کرده است. موضوع را به حامد گفتم

و او گفت که چنین چیزی حقیقت ندارد. حتی با همسر سابقم هم تماس گرفتم و او این موضوع را انکار کرد. اما من می‌خواستم مطمئن شوم، برای همین به همراه حامد به خارج از شهر رفتیم تا در جایی خلوت موضوع را با علی رودررو کنیم. برای این کار از یك نفر که می‌دانستم پیك موتوری بود به نام داوود کمك گرفتم و او با موتورش ما را به روستای کوره فرنگی شهرری برد. علی سر قرار نیامد، اما من به حدی از دست حامد عصبانی شدم که چاقو را دست او دادم و گفتم یا تو من را بکش یا من تو را می‌کشم. حامد قسم می‌خورد که چنین ماجرایی حقیقت ندارد. اما من باور نکردم و او را به قتل رساندم.»

متهم که با ۱۴ ضربه چاقو دوست خود را به قتل رسانده بود، بعد از قتل اقدام به آتش کشیدن جسد او با بنزین کرد. اما فقط بخشی از لباس‌های حامد سوخته بود. بعد از اعترافات صریح متهم داوود که هنگام قتل سینا را همراهی کرده بود، بازداشت شد.

روز گذشته رسیدگی به پرونده در شعبه دهم دادگاه کیفری آغاز شد. خانواده حامد از دادگاه تقاضای قصاص متهم را کردند.

سپس سینا در جایگاه دفاع حاضر شد و گفت: اتهام خود را قبول دارم. چون گمان می‌کردم حامد در حقم نارفیقی کرده و او را به قتل رساندم.

قاضی: تو همسرت را طلاق داده بودی و اگر هم او می‌خواست با فرد دیگری ازدواج کند به تو چه ارتباطی داشت؟

متهم: من توقع نداشتم دوستم در حقم نامردی کند.

متهم ردیف دوم یعنی داوود، جوانی است که در پرونده خود دو فقره سابقه کیفری مبنی بر تجاوز به عنف و حمل و نگهداری مشروب دارد.

او نیز در دفاع از خود گفت: من اتهامم را قبول ندارم. من فقط با سینا همراه شدم و نمی‌دانستم قرار است قتل اتفاق بیفتد.

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهمان، ختم جلسه دادرسی را اعلام کردند. رای پرونده بعد از مشورت قضات صادر می‌شود.

عاشقانه‌های دزد مسلح در زندان

کیف قاپ حرفه‌ای که قصد دستبرد به طلافروشی‌های پایتخت را داشت، دو روز قبل از اجرای نقشه‌اش دستگیر شد. متهم در زندان و از طریق فیسبوك با دختری آشنا شده و قصد ازدواج با او را داشت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ۲۵ مرداد امسال دختر جوانی با حضور در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران ازمرد جوانی به اتهام زورگیری مسلحانه شکایت کرد. با دستور قضایی تحقیقات ماموران اداره یکم پلیس آگاهی تهران آغاز شد.

همزمان با تحقیق از شاکی معلوم شد او به‌خاطر عجله‌ای که داشته به محض آن‌که خودروی پژو ۴۰۵ در حوالی میدان هفتم تیر مقابلش توقف کرده، سوار شده که در میانه راه راننده او را با سلاح کلت به مرگ تهدید و بعد از سرقت النگوهایش، او را از خودروی در حال حرکت به بیرون پرت کرده است. چهره نگاری ازسارق مسلح انجام شد و جست‌وجوها ادامه یافت تا این‌که چند روز بعد مردی که ازیك قدمی مرگ بازگشته بود به پلیس آگاهی آمد و از مرد مسلحی شکایت کرد. با تحقیق از وی معلوم شد او از محل کارش بیرون آمده و در حالی که کیفی به دست داشته سمت خودروی پارك شده‌اش در خیابان میرزای شیرازی می‌رفته که هدف سارق مسلح قرار گرفته و از ناحیه کتف زخمی شده است. با فریادهایش مردم به کمکش آمده و سارق ناکام مانده و متواری شده است.

بررسی روی این پرونده نشان داد او نیز در دام همان دزد مسلح فراری گرفتار شده است. با افزایش شکایت‌ها ماموران بانك مجرمان پلیس آگاهی را بررسی کردند که معلوم شد او یك کیف‌قاپ سابقه دار بوده که پنج ماه قبل از وقوع شکایت‌ها از زندان آزاد شده است. یاشار ۳۲ ساله تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و سرانجام دو روز پیش

بازداشت شد و با اعتراف به جرایمش گفت: چند سال قبل عضو یك گروه خلافکار دختران و پسران کیف قاپ شدم و به‌خاطر شرکت در ۱۲۷ فقره کیف قاپی بازداشت و بعد از محاکمه به ده سال و پنج ماه حبس و رد مال ۲۰۰ میلیون تومانی محکوم شدم که با پایان یافتن حبسم و پرداخت ردمال آزاد شدم. در مدتی که در زندان بودم، از طریق فیسبوك با دختری آشنا شده و می‌خواستم با او ازدواج کنم. در این مدت با هم در ارتباط بودیم و بعد از آزادی از زندان سراغش رفتم و از او خواستگاری کردم.

وی افزود: بعد از آزادی ام با فرشید که قاچاقچی سلاح و موادمخدر بود آشنا شدم. او می‌گفت اگر چند بار از طلافروشی‌ها سرقت کنم، پولدار می‌شویم و نقشه سرقت از یك طلافروشی را طراحی کرد و منتظر اجرای نقشه بودیم. در این مدت با فروش اموال سرقتی یک سلاح خریدم و بعد از مصرف مخدر توهم‌زایی به نام اسید، زورگیری می‌کردم. قرار بود از یك طلافروشی سرقت کنم که دو روز قبل از اجرای نقشه‌ام دستگیر شدم.

با اعتراف وی، تحقیقات از او برای رازگشایی از دیگر جرایمش در حالی ادامه دارد که پلیس در جست‌وجوی طراح نقشه سرقت طلافروشی است.

> متهم در زندان از طریق فیسبوك عاشق دختر جوان شد

قتل برادرزن به‌خاطر ۳۰۰ هزارتومان

داماد جوان که بر سر اختلاف مالی ۳۰۰ هزارتومانی، برادرزنش را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده بود تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت ۱۷ و ۲۰ دقیقه پنجشنبه ۱۸ مهر امسال یکی از ماموران کلانتری تهرانپارس در تماس با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران از وقوع جنایتی در ساختمان نوسازی در شرق تهران خبرداد. زمانی که بازپرس جنایی و تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران در محل جنایت حاضر شدند، مشاهده کردند در محوطه پارکینگ که محل اسکان کارگران ساختمان بوده جسد مرد ۴۲ ساله‌ای که براثر ضربه‌های چاقو به قتل رسیده افتاده است.

پرونده‌ای در این‌باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات از دیگر کارگران که در محل جنایت حضور داشتند در اداره دهم پلیس آگاهی تهران آغاز شد.

در جریان تحقیقات یکی از آنها گفت: مقتول دوستم بود و کارگر ساختمان است. او با دامادشان برسر ۳۰۰ هزارتومان اختلاف مالی داشت. آن روز دو نفری به محل کار دامادشان رفتیم تا این اختلاف مالی را حل کنیم که میان آنها درگیری و دعوا رخ داد. در پی بالا گرفتن این درگیری داماد جوان با چاقویی که همراه داشت دوستم را که برادرزن او بود، به‌شدت زخمی کرد و باعث مرگ وی شد. بعد، من و دیگر کارگران آنجا را به مرگ تهدید کرد و متواری شد.

این در حالی بود که دیگر شاهدان جنایت نیز داماد خانواده مقتول را عامل این جنایت معرفی کردند. همزمان با شناسایی هویت عامل جنایت، او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت.

تلنگر

مرگ اشتباهی با قرص

مرد ۴۰ ساله اشتباهی به جای خوردن قرص سردرد، قرص برنج خورد و فوت شد.

به گزارش جام جم، ساعت ۱۰ و ۹ دقیقه ۱۸ مهر امسال بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران در تماس تلفنی یکی از ماموران کلانتری ابوسعید پایتخت در جریان مرگ مشکوك مرد ۴۰ ساله‌ای در یکی از بیمارستان‌های تهران قرار گرفت. با دستور قضایی تحقیقات ازخانواده فرد فوت شده آغاز ومعلوم شد فرزندشان یك سال بوده که سردرد داشته وقرص مصرف می‌کرده است. روز حادثه هم به جای مسکن قرص برنج خورده و جان باخته بود.

متادون جان کودکی را گرفت

پسر هشت ساله که بعد از نوشیدن شربت متادون به جای آب مسموم شده بود، فوت کرد.

به گزارش جام جم، ساعت ۱۰ و ۱۷ دقیقه ۱۸ مهر امسال، یکی ازمسؤولان بیمارستانی در تهران با کلانتری ابوسعید تماس تلفنی گرفت و اطلاع داد پسر هشت ساله‌ای که دچار مسمومیت با شربت متادون شده بوده از خانه‌شان در قرچك به بیمارستان منتقل شده، اما به‌دلیل شدت مسمومیت و با توجه به تلاش پزشکان این کودك فوت کرده است.

در تحقیقات از خانواده پسرفوت شده معلوم شد این کودك اشتباهی شربت متادون که در یخچال بوده را به جای بطری آب نوشیده و همین باعث مرگ او شده است.

اعدام مرد متجاوز

مردی که به اتهام آزار و اذیت یك زن در زندان مرکزی بندرعباس به سر می‌برد، به دار مجازات آویخته شد.

علی صالحی، رئیس کل دادگستری استان هرمزگان به جام جم گفت: مهر سال ۹۳ خانمی از مردی به اتهام تجاوز به عنف شکایت کرد که بعد از آن متهم تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد. متهم روانه زندان و مدتی بعد در دادگاه کیفری استان هرمزگان محاکمه شد. مرد زندانی به اعدام محکوم شد که رای صادره از سوی قضات شعبه ۲۰ دیوان‌عالی کشور تأیید و به اجرای احکام ارسال شد که سرانجام با گذشت پنج سال از این ماجرا، صبح شنبه ۲۰ مهر امسال مرد متجاوز در زندان مرکزی بندرعباس به دار مجازات آویخته شد.

مرگ ۲ جوان در چاه آب

دو جوان عنبرآبادی به علت برق گرفتگی در چاه آب فوت شدند.

همت بلوچی، بخشدار مرکزی عنبرآباد به ایرنا گفت: گزارش دو مورد فوتی در روستای گرم سالار رضا این شهرستان اعلام و امدادگران اورژانس و تیمی از بخشداری در محل حاضر شدند. پس از بررسی صحنه و نظر تیم پزشکی، برق گرفتگی علت فوت دو جوان عنبرآبادی گزارش شد. اجساد کشف و به پزشکی قانونی منتقل شد.

در زندان راحت‌تر از خانه‌ام!

پسر جوان که از کنترل‌های برادرانش در خانه خسته شده بود، خودروی پرایدی را دزدید تا به زندان برود.

به گزارش خبرنگار جام جم، روز جمعه ماموران گشت کلانتری ۱۵۰ تهرانسر هنگام گشتزنی در محدوده میدان کمال‌الملك به یك دستگاه خودروی سواری پراید نقره‌ای‌رنگ مشکوك شده و با بررسی پلاك آن متوجه شدند که سابقه سرقت از اسلامشهر را دارد.

راننده پراید وقتی متوجه گشت پلیس شد، از محل گریخت که پس از تعقیب و گریز و شلیك تیر هوایی، ماموران لاستیك خودرو را هدف قرار داده و آن را متوقف کردند.

در جریان تحقیقات مشخص شد، متهم از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار خودروست و پیش از این نیز به همین اتهام روانه زندان شده بود. متهم در بازجویی‌ها با اعتراف به این سرقت گفت: برادرانم وقتی از زندان آزاد شدم، مدام من را کنترل می‌کردند. حتی اجازه نمی‌دادند تنها از خانه بیرون بروم. من هم برای رهایی از این شرایط تصمیم گرفتم دوباره سرقت کنم تا به زندان بازگردم. شرایط زندان برای من بهتر از خانه است.

متهم پس از اعتراف به جرم خود به دادسرا منتقل شد.